روزنامه شرق



عکس: آیدین رهبر

نماینده اقلیم کردستان عراق در گفت‌وگو با «شرق» از سیاست یک‌بام‌ودوهوای آمریکا در کردهای سوریه می‌گوید:

کردهای سوریه، به دنبال تجزیه نیستند

عبدالرحمن فتح‌اللهی

دولت «باراک اوباما»، بیش از یک سال امکان همکاری نیروهای عملیات ویژه ایالات متحده با کردهای سوریه و یگان‌های مدافع خلق (YPG) را بررسی و سپس این گروه را به طور مستقیم مسلح کرد؛ استدلال‌ها از تسریع جنگ علیه داعش حمایت می‌کرد. کسانی که علیه این استراتژی استدلال می‌کردند، معتقد بودند این اقدام به‌شدت باعث تضعیف روابط ایالات متحده و ترکیه خواهد شد. ضرورت‌های نظامی در وضعیت بوروکراتیک موجود ایالت متحده مورد پذیرش واقع شد و نیروهای ویژه این کشور جای پای خود را در شرق سوریه محکم کرده بودند. بااین‌حال، در رابطه با سؤال مهم مسلح‌کردن YPG با سلاح‌های سنگین برای شکستن موقعیت دفاعی داعش در اطراف «رقه»، کاخ سفید دولت اوباما پس از نشست‌های بی‌نتیجه فراوان با مقامات ترکیه بر سر طرحی متفاوت برای انجام این عملیات، تصمیم‌گیری در این زمینه را به دولت ترامپ واگذار کرد. اما در ادامه حزب حاکم عدالت و توسعه (AKP) ترکیه بعد از آنکه رئیس‌جمهور آمریکا «دونالد ترامپ» در ماه ژانویه به قدرت رسید انتقاداتش را علیه واشنگتن کاهش داد. سیاست‌های ترامپ حدس و گمان‌های جدی‌ای را به وجود آورد که ایالات متحده آماده است از حمایت خود از نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) به نفع نیروهای تحت حمایت ترکیه برای بازپس‌گیری رقه دست بکشد، اما درواقع سیاست‌های آمریکا در کردستان سوریه چگونه خواهد بود؟ سرنوشت کردهای سوریه در آینده چه سمت‌وسویی پیدا می‌کند؟ آیا کردها طرح تشکیل یک کشور یا دولت خودمختار را در سوریه دارند؟ دولت‌ها و کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌ویژه ترکیه دراین‌باره چه واکنشی را نشان خواهند داد و... . پاسخ به این سؤالات و پرسش‌هایی از این دست را در گفت‌وگویی با بلندپایه‌ترین مقام سیاسی کردستان عراق در ایران، آقای «ناظم عمر دباغ» پی خواهیم گرفت.

◤ درباره کردها و به‌ویژه کردهای سوریه، در هیئت حاکمه آمریکا دو دیدگاه کلی وجود دارد، برخی قائل به تشکیل دولت و کشور کردی بوده تا از آن رهگذر بتوانند اهداف خود را مانند ایجاد پایگاه مستمر در بطن خاورمیانه دنبال کرده و به این واسطه سوریه، عراق، ایران و ترکیه را تحت نظر داشته باشند و دیدگاه دوم، با تشکیل دولت و کشور کردی چندان همراه نبوده و آن را مسئله‌ای بسیار هزینه‌دار برای آمریکا، آن هم در شرایط نابسامان داخلی خود آمریکا می‌دانند؛ از دیدگاه شما درواقع کدام یک از این دو اندیشه در هیئت حاکمه آمریکا غالب است؟

به نظر من پدیده داعش و جنگ با تروریسم شرایط جدیدی را برای کل خاورمیانه و حتی کشورهای فرامنطقه‌ای پدید آورده و این شرایط برای کشورهایی که تمایل دارند یا کشورهایی که به‌ضرورت مجبورند در جنگ با داعش حضور داشته باشند، خاص‌تر است. حال می‌خواهد سوریه باشد، آمریکا یا ایران یا هر کشور دیگر؛ اما واقعا به نفع کردهاست که همسایه‌های قدرتمند در جنگ با داعش به آنان کمک کنند. خب مسلم است در چنین شرایطی کشور قدرتمندی مانند آمریکا که همواره در منطقه حضور داشته به یک هم‌پیمان جدید در این شرایط آشفته نیاز دارد، به‌ویژه برای مقابله با تروریسم و داعش این هم‌پیمانی بسیار اهمیت دارد. شرایط موجود در کشور سوریه بستر لازم را برای کردهای این کشور فراهم کرده و در این بستر ثابت کرده‌اند کردها یکی از مهم‌ترین و شاید مهم‌ترین نیروی مبارز در جنگ با تروریسم و داعش هستند همگی به آن باور و اذعان دارند. چنان که در همین راستا نقش یگان‌های مدافع خلق و نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک در این مدت کاملا روشن است و جایگاه و تأثیر آنها را در شرایط سوریه نمی‌توان انکار کرد، چراکه در هر جنگی شرکت کرده‌اند، دیر یا زود و با شدت و ضعف، به پیروزی رسیده‌اند و درنهایت موفق به آزادسازی مناطق اشغالی در سوریه شده‌اند. در این شرایط یکی از کشورهایی که در راستای منافع خود نهایت استفاده را از وضعیت سوریه برد، روسیه است و آمریکا در چنین موقعیتی دید اگر نقش خود را در جنگ سوریه فعال‌تر نکند، از جرگه قدرت در این کشور بازمی‌ماند به‌ویژه که روابط آمریکا با ترکیه در دوره اوباما و بعد از کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ رو به سردی گرایید. همچنین روابط تیره واشنگتن-مسکو در کنار عوامل دیگری که گفتم سبب شد آمریکا در عمل به دنبال جایگاه و پایگاهی مهم و هم‌پیمانی بانفوذ باشد که این هم‌پیمان پرنفوذ برای آمریکا کردهای سوریه بودند و در راستای پیشبرد این راهبرد، برنامه‌های خود برای حال و آینده این روابط در نزدیک‌کردنشان به احزاب و کردهای سوریه را از راه‌های مختلف پی می‌گیرند. ازبین‌رفتن داعش به نفع کردهاست، پس اکنون به سؤال شما می‌رسیم با این شرایط آیا واشنگتن می‌خواهد برای کردهای سوریه حکومت، دولت یا کشوری تشکیل دهد یا این مسئله بیشتر حالت تبلیغاتی دارد؟ چنان‌که برای اقلیم کردستان عراق هم صادق است. البته این مسئله دو جنبه دارد؛ جنبه اول از دید کردهاست. اگر از کردها بپرسیم خب مسلم است، استقبال می‌کنند ولی آیا شرایط این مهم فراهم است یا نه؟ و دوم اینکه شرایط منطقه اعم از بازیگران و وضعیت آن اجازه تشکیل دولت کردی را به آمریکا می‌دهد چراکه حتی اگر آمریکا بخواهد دست به چنین اقدامی بزند باید کشورهای عربی، ترکیه، ایران، روسیه و... را هم در نظر بگیرد. بنابراین این مسئله بدون شک فرایندی بسیار پیچیده است و چیزی نیست که با خواسته‌ها و آرمان بدون در نظرگرفتن واقعیت‌ها محقق شود. به‌همین‌دلیل باید منتظر آینده بود که آبستن چه حوادث، اتفاقات و تحولاتی است تا بتوان درباره سرنوشت کردهای سوریه روشن‌تر نظر داد.

◤ در راستای سخنان شما سناتور «جان مک‌کین»، رئیس کمیته نیروهای مسلح سنا، در اظهارنظرهای متفاوتی معتقد است کردها جنگاورانی بسیار قدرتمند و ماهر هستند اما درواقع آمریکا بر سر یک دوراهی مانده است چراکه در جنگ با داعش و مبارزه با تروریسم همان‌طوری‌که شما هم گفتید، به هم‌پیمانی قدرتمند و پرنفوذ مانند کردها نیاز دارد و از آن‌سو هم این‌گونه روابط نزدیک موجب تیرگی روابط آنکارا – واشنگتن خواهد شد چراکه ترکیه کردهای سوریه را دشمنانی بالقوه می‌داند که حمایت آمریکا موجب بالفعل‌شدن تهدیدات این خطر می‌شود. به نظر شما آمریکا در این دوراهی جانب کدام طرف را خواهد گرفت و درباره این مسئله چگونه عمل خواهد کرد؟

من گفتم سیاست آمریکا و حتی سایر کشورها یک سیاست «یک بام و دو هواست»، چون متأسفانه در طول تاریخ به کردها ظلم شده است و کسی در این دوران مظلومیت کردها به صورت شفاف، رسمی و علنی از کردها بدون در نظرگرفتن منافع خود حمایت نکرده است و امروز اگر همکاری و حمایتی از نه فقط کردهای سوریه که حتی کردستان عراق هم می‌شود، فقط برای پیشبرد منافعشان در راستای مبارزه با داعش و تروریسم بوده است. در این شرایط جنگی و اضطراری به سمت هم‌پیمانی با کردها روی آورده‌اند و ممکن است مانند دوران قبل، بعد از تمام‌شدن بحران کردها باز تنها بمانند؛ اما امروز و در شرایط متشنج کنونی، کردها و نیروهای مسلح توانسته‌اند خود را به خوبی ثابت کنند که هم می‌توانند به مبارزه با تروریسم و داعش بپردازند و هم می‌توانند از حقوق خود دفاع کنند. همچنان که گفتم به باور اکثریت، قوی‌ترین و مصمم‌ترین مبارزان در جنگ با تروریسم کردها هستند؛ آمریکا با تمام نکاتی که شما گفتید معتقدم بازی قدرت خود را در راستای منافعش با کردهای سوریه ادامه می‌دهد، اما از آن طرف هم شرایط برای کردها بغرنج است. مضاف بر آن با توجه به تاریخ گذشته که گفتم،

امروز اگر همکاری و حمایتی از نه فقط کردهای سوریه که حتی کردستان عراق هم می‌شود، فقط برای پیشبرد منافعشان در راستای مبارزه با داعش و تروریسم بوده است. در این شرایط جنگی و اضطراری به سمت هم‌پیمانی با کردها روی آورده‌اند و ممکن است مانند دوران قبل، بعد از تمام‌شدن بحران کردها باز تنها بمانند؛ اما امروز و در شرایط متشنج کنونی، کردها و نیروهای مسلح توانسته‌اند خود را به‌خوبی ثابت کنند

کردها همین حمایت ناتمام و نیم‌بند آمریکا را هم می‌پذیرند، اما از آن‌طرف هم باید بگویم در چارچوب قانون بین‌الملل، روابط بین‌الملل و حقوق بشر، کردها باید از خود دفاع کنند، مثلا در همین سوریه کار به اینجا رسیده است. شما ببینید زمانی همین کردها حتی شناسنامه و حق تعیین سرنوشت خود را نداشتند اما امروز با شجاعت و مبارزه و همچنین حمایت‌هایی که از آنها می‌شود، حال کشورهای منطقه‌ای باشند یا فرامنطقه‌ای، برای خود حیثیتی را به وجود آورده‌اند که ثابت کنند هستند و می‌توانند در آینده هم باشند.

◤ با توجه به گفته‌های شما «خلیل ریدور»، سخنگوی نیروهای کرد سوریه، در مصاحبه‌ای با رویترز شمار فعلی نظامیان کرد سوریه را نزدیک به ۶۰ هزار نفر اعلام کرد که تا نیمه دوم سال ۲۰۱۷ تصمیم دارند آن را به صد هزار نفر برسانند. آیا این نشانه‌ای است که کردهای سوریه با افزایش قدرت و توان نظامی خود در پی ایجاد یک فدراسیون یا فدرالیسم یا کنفدرالیسم است؟

ببینید اینجا باید به این مسئله دقت کنیم که هر قوم و ملتی در هرجایی که زندگی می‌کند دارای حقوقی است؛ حق تعیین سرنوشت خود را دارد و به همین واسطه برای تأیید و رسیدن به آن حقوق هم تلاش می‌کند، هم مبارزه گفتم شرایط امروز کردهای سوریه به‌گونه‌ای رقم خورده که توانسته‌اند برای خود حیثیتی را به وجود آورند و بدون شک از آن دفاع می‌کنند. روز اولی که کردها دست به اسلحه بردند علیه دولت «بشار اسد»، رئیس‌جمهوری سوریه، بود، اما بعدا با حضور گروه‌های تروریستی داعش، النصره و ارتش آزاد و...، جهت مبارزه خود را عوض کردند. بااین‌حال در هر دوره از منطقه خود دفاع کردند و همین قدرت دفاعی سبب شد امروز آمریکا و حتی روسیه و ایران، کردهای سوریه را هم‌پیمان خود بدانند چراکه از اول این بازیگران، کردها را مهم نمی‌دانستند و در این شرایط امروز، آمریکا برآورد می‌کند که حمایت کردها بیشتر به نفع اوست یا ترکیه؟

آنان در برآورد و اقدامات عملی خود چنان که شما مصادیقی از آن را گفتید قدرت کردها را به رسمیت شناخته‌اند، چراکه می‌بینند شجاعت، نفوذ، تأثیر و از همه مهم‌تر ثبات سیاسی در کردها بیشتر است. در نقطه مقابل، به‌خوبی این عدم ثبات سیاسی را در دولت ترکیه می‌بینند که در راستای منافعش روزی با آمریکا، روزی با داعش، روزی با روسیه و روزی هم با بازیگران دیگر هم‌پیمانی و مشارکت دارد. اما سؤال مهم اینجاست که اگر داعش را از منطقه‌ای بیرون راندیم، به کجا می‌رود؟ آیا جنگ داعش تمام خواهد شد؟ آیا حتی با فرض ازبین‌بردن داعش تضمینی وجود دارد که در آینده گروه تروریستی دیگری منطقه را تهدید نکند که باز بهانه‌ای برای حضور کشورهای دیگر در این منطقه شود؟ چراکه به‌خوبی روشن است همین کشورهای فرامنطقه‌ای که ابتدا از داعش حمایت می‌کردند، امروز به مقابله با آن می‌پردازند و در این شرایط این نکته مطرح‌شده، به آن معناست که این بازیگران نمی‌خواهند نقشی جدی برای کردها قائل شوند و به نظر من بهترین راه این است که در یک بحث و گفت‌وگوی سیاسی و البته پیگیرانه، شرایطی را فراهم آورند که بتواند حقوق و سرزمین کردهای سوریه را به رسمیت شناخته و از این منظر کردها هم، چون حقوق خود را به دست آورده‌اند، از جنگاوری خود در راستای افزایش صلح استفاده می‌کنند و به عاملی برای حفظ و ثبات امنیت در منطقه تبدیل می‌شوند.

◤ اما با شرایطی که شما گفتید بعد از آزادسازی مناطق کردنشین سوریه ازسوی PYD و YPG و YPJ و تشکیل کانتون‌های عین‌العرب (کوبانی) و «عفرین» در سوریه و تشکیل یک مدل شبه‌آنارشیستی خودمدیریتی، شما چه دلایلی را برای شرکت کردهای سوریه در عملیات خشم فرات، آزادسازی مناطق «طبقه» و «رقه» و سایر مناطق غیرکردنشین می‌دانید؟ و از آن‌طرف چه دلایلی را برای ادامه این سیاست‌ها از سوی کردهای سوریه متصورید، چراکه ناصر حاجی منصور در یک اظهارنظر رسمی اعلام کرد بعد از آزادسازی رقه کردهای سوریه به سمت منطقه «دیرالزور» حرکت می‌کنند؟

ببینید در صحبت‌ها شما از نیروی نظامی ۶۰هزارنفره فعلی و صدهزارنفره در آینده سخن گفتید؛ اما نکته اینجاست که آیا کردها باید نیرویی داشته باشند یا نه؟ معتقدم در این شرایط متشنج و ناآرام حتی باید ارتشی میلیونی را فراهم آورد تا خدای نخواسته اگر روزی با تهدیدی روبه‌رو شدند توان دفع آن را داشته باشند مثلا در همین عراق زمانی که «صدام‌حسین» بعد از قیام کردها به کردستان حمله کرد میلیون‌ها نفر از مناطق کردنشین آواره شدند و خانه و کاشانه خود را ترک کردند.

بنابراین وقتی کسی توان ترک خانه، کاشانه و ثروت خود را داشته باشد و به کوه‌ها پناه ببرد قطعا پتانسیل به‌دست‌گرفتن سلاح را برای دفاع از حقوق خود هم دارد. پس دفاع و مقاومت فقط حفاظت از شهر و منطقه خود نیست، بلکه باید تا جایی‌که راه دارد و می‌توان، خطر را از منطقه خود دور کرد و این خطر می‌تواند روزی صدام‌حسین باشد، روزی داعش باشد یا هر اسم دیگری، چراکه خطر و دشمنی، مانند داعش در هر نقطه‌ای تهدید است؛ نکته اینجاست که کردها باید مناطق غیرکردنشینی را که در سوریه آزاد می‌کنند به صاحبان آن منطقه تحویل دهند و آنها از منطقه خود حفاظت کنند، مثلا همین منطقه کرکوک عراق دست ارتش عراق بود و به‌راحتی آن را به داعش تحویل داد اما با جانفشانی کردها آن منطقه دوباره آزاد شد. حالا چه تضمین عقلانی‌ای وجود دارد که دوباره این منطقه را دست ارتش عراق بسپاریم که فردا دوباره آن را به دشمنان دیگر بسپارد؟ بنابراین در کردستان سوریه و مسئله همکاری با آمریکا و روسیه هر جا که لازم باشد و بتواند خطر را از منطقه کردهای سوریه دور کند باید در آن شرکت کرد و این به معنای تصرف سایر مناطق غیرکردنشین سوریه به دست کردها نیست. یعنی همان‌طور که گفتم نکته اینجاست که کردهای سوریه در راستای امنیت بیشتر خود به آزادسازی سایر مناطق می‌پردازند اما نمی‌دانند این مناطق را به چه کسانی تحویل دهند تا خطر تصرف دوباره و ایجاد تهدید برای کردها را نداشته باشند؟ این مسائلی که مطرح کردم دیدگاه و نظر من است و نمی‌توان از جانب کردهای سوریه حرف زد.

ادامه در صفحه ۱۲

یـادداشت

اقلیت‌ها؛ بمب‌های ساعتی آینده

ریم خلیفة: درباره تنوع دینی و نژادی در داخل جوامع عربی تاکنون بسیار سخن گفته شده است. این یکی از اموری است که معمولا هروقت پیش می‌آید به برخی اقلیت‌هایی اشاره دارد که برای مثال تحت نوعی ستم سیاسی یا... قرار گرفته‌اند. به همین دلیل موضوع اقلیت‌ها را باید یکی از مسائل قدیمی و جدید به حساب آورد که با توجه به تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در مراحل مختلف تاریخی، اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرده است. کمااینکه مشکل اقلیت‌ها معمولا در درون منازعات سیاسی، طبقاتی و اجتماعی گوناگون پنهان می‌شود. زیرا اقلیت‌ها به‌این‌وسیله می‌کوشند تا موجودیت خود را حفظ کنند و در برابر نظام‌های حاکم صف‌بندی مشخصی داشته باشند. به‌خصوص زمانی که یک قدرتی نسبت به اقلیت‌ها ستم روا داشته باشد آنها سعی می‌کنند با مظلوم‌نمایی و احساس ستمدیدگی هویت خود را مشخص کنند. این کاری است که برای مثال ایزدی‌های عراق در برابر داعش کردند. درباره ایزدی‌ها یا یزیدی‌های عراق، تاکنون تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته است. دلشاد عبدالله، پژوهشگر کُرد، می‌گوید این فرقه یکی از قدیمی‌ترین فرقه‌های دینی شرقی است که تقریبا دو هزار سال پیش در بین‌النهرین پیدا شد؛ فرقه‌ای مذهبی که اعتقاداتشان از پرستش منابع طبیعی به توحید سوق پیدا کرد و برای خود آیین‌ها و مراسم خاصی دارند. تعداد ایزدی‌های عراق را بیش از ۶۰۰ هزار نفر تخمین می‌زنند؛ هرچند تعداد کنونی آنها به صورت دقیق مشخص نیست. به دلیل حملات مرگبار گروه‌های افراطی، آنها در سال‌های گذشته مجبور به مهاجرت از عراق شدند. گفته می‌شود این فرقه در جهان بیش از یک میلیون و ۲۵۰هزار نفر پیرو دارد که در نقاط مختلف پراکنده‌اند. اگر به وضعیت کنونی جهان عرب بنگریم مشاهده می‌کنیم مملو از افراط‌گرایی و تعصبات دینی و نژادی است که از سوی یک دین یا نژاد نسبت به یک دین یا نژاد دیگری روا داشته می‌شود. نظام عثمانی درواقع به هر طایفه‌ای حق اداره امور دینی، تربیتی، فرهنگی و اجتماعی خودش را می‌داد، اما سیستم مذاهب تحت حکومت عثمانی که نمونه‌ای پیشرفته از همزیستی بین مذاهب و طوایف و گروه‌های دینی و فرقه‌های صوفیه و... بود، بعد از دو قرن ۱۷ و ۱۸ به باری سنگین بر دوش حکومت عثمانی تبدیل شد. از آن پس بود که اقلیت‌های تابع دولت عثمانی سر به شورش برداشته و خواستار تحقق خواسته‌های دموکراتیک و آزادی‌طلبانه خود اعم از فردی یا جمعی شدند. آنچه در گذشته رخ داد یا در زمان حال رخ می‌دهد؛ یعنی ستم‌های سیاسی و دینی نسبت به یک اقلیت که از سوی یک اقلیت یا بخشی از یک اقلیت صورت می‌گرفت، تاکنون موجب تحولات زیادی شده است. دراین‌میان تروریسم شرارت‌پیشه در مراحل تاریخی گذشته از تشکیل اسرائیل در اواخر قرن گذشته تا داعش در امروز، نیز بر این ستم‌ها افزوده و مسئله تجزیه و تشتت بین طوایف و نژادهای مختلف حتی در درون یک جامعه را تشدید کرده است. شش سال پیش انقلاب‌های بهار عربی جوانان را به میادین اصلی پایتخت‌ها کشاند تا برای آزادی و دموکراسی فریاد بزنند. امروزه اما جهان عرب شاهد نوع دیگری از موج انقلاب‌هایی است که از سوی اقلیت‌ها شکل می‌گیرد و زمینه را برای وقوع جنگ‌های داخلی در درون جوامع و بین کانتون‌هایی فراهم می‌کند که به یک اقلیت خاص تعلق دارند.

منبع: الرایه

نگاه

داعش در لاک خود فرومی‌رود

زهیر حمدانی

گزارش‌های منتشرشده از سوی مراکز تحقیقات بین‌المللی نشان می‌دهد گروه تروریستی داعش به‌سرعت در حال فرورفتن در لاک خود بوده و دارد به‌لحاظ نظامی و جغرافیایی خود را در عراق و سوریه جمع می‌کند. این امر بیانگر آن است که داعش دیگر به‌عنوان یک «دولت» خاص در این منطقه سقوط کرده و همین مسئله پرسش‌های تازه‌ای را درباره آینده این گروه به میان می‌کشد. مرکز «هیس مارکیت» که منازعات بین‌المللی را بررسی می‌کند، می‌گوید داعش تا مارس گذشته بیش از نیمی از زمین‌های تحت کنترل خود را در عراق و سوریه از دست داده و چیزی نمانده است که اصلی‌ترین مقرهای خود را در موصل و رقه نیز از دست بدهد. این موضوع تقریبا به صورتی حتمی فروپاشی این گروه را به دنبال خواهد داشت. داعش از ابتدای سال گذشته تاکنون حمله بزرگی صورت نداده و پیروزی‌های میدانی چشمگیری نداشته است. تحرکات سیاسی و نظامی سوریه نشان می‌دهد که نیروهای متخاصم در آنجا از هم‌اکنون دارند خود را برای «پس از داعش» یا نحوه جمع‌آوری «میراث دولت خلافت» آماده می‌کنند؛ برای مثال واشنگتن مناطق نفوذ خود را از جزیره حسکه در سوریه تا مرزهای عراق و رقه کشیده و بعد از پیاده‌کردن نیرو در شرق فرات پایگاه‌هایی را در آنجا تأسیس کرده است. پیش از آمریکا، گروه‌های مخالف سوریه به دنبال سیطره بر مناطقی از قلمون شرقی تا سوبداء و درعا و دمشق تا حومه حمص و تدمر بودند؛ یعنی مناطقی که روزگاری در اختیار داعش بود. از طرف دیگر ترکیه نیز به دنبال سیطره بر شمال سوریه از طریق ادامه عملیات سپر فرات است. روسیه نیز دراین‌میان شمال و مرکز سوریه را هدف قرار داده و می‌کوشد از یک‌سو با کُردها و از سوی دیگر با نظام حاکم بر سوریه هماهنگ عمل کند.

عقب‌نشینی

در عرصه جنگ، تشکیلات داعش بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ و شروع ۲۰۱۷ مراکز مهم و پرجمعیتی را در عراق از دست داد؛ از جمله شهرهای ابوغریب (در استان بغداد) تکریت (در استان صلاح‌الدین) رمادی، فلوجه، کبیسه، هیت و رطبه (در استان الانبار) سنجار و اکثر روستاها و شهرهای استان نینوا تا موصل. اگر عملیات نظامی در شهر موصل، به گفته مقامات پنتاگون و وزارت دفاع عراق، در مراحل آخر آن باشد، با اتمام این جنگ، داعش اکثر مواضع تحت کنترل خود در عراق را در مرحله کنونی از دست داده است و فقط می‌ماند باریکه‌هایی که تقریبا قادر به تأثیرگذاری نظامی قابل‌توجهی نیست. در سوریه نیز داعش تا حد زیادی کنترل خود را بر مناطق گسترده‌ای از دست داده است. از جمله مناطقی در مرز ترکیه و سوریه (در حلب و رقه) از جمله الباب و پیش از آن منبج، مارع و روستاها و شهرهایی در شمال حلب و حومه شرقی آن تا کناره‌های رود فرات از قبیل تادف، دیر حافر و اخیرا در الطبقه (رقه) و فرودگاهش و تعداد زیادی از روستاها در این استان به‌علاوه تدمر و سایر مناطقی که در اطراف حمص شرقی در مارس گذشته داعش مناطق جدیدی را در حومه شرقی و غربی درعا به‌خصوص منطقه اللجاه و القلمون غربی و شرقی از دست داد و دیگر نتوانست بین مناطق تحت کنترل خود در بادیه و حومه حمص تا مرزهای عراق اتصال برقرار کند.

عوامل شکست

تحلیلگران نظامی و مراکز تحقیقاتی می‌گویند داعش اساسا قدرت اتصال بین مواضع تحت کنترل خود را از دست داده و به همین دلیل رفت‌وآمد، امدادرسانی و پشتیبانی لجستیک این گروه مختل شده است. این امر نشان می‌دهد که داعش از فاز «توسعه قلمرو» خود بسیار فاصله گرفته و هم‌اکنون در مرحله «تلاش برای بقا» به‌سر می‌برد. یک مسئله دیگر این است که داعش کنترل خود بر منابع مالی‌اش از جمله نفت، تولیدات زراعی و آثار باستانی را از دست داده است. پیش از این داعش با قاچاق و بهره‌برداری از این منابع بر قدرت خود می‌افزود. بی‌تردید داعش از طریق همین اموال بود که برای خود طرفدارانی جذب می‌کرد یا طرفداران خود یا حتی ساکنان محلی را به‌این‌وسیله فریب می‌داد. همچنین داعش از سال ۲۰۱۴ تعداد زیادی از برجسته‌ترین رهبران خود را از دست داد. برخی از آنها جزء معاونان ابوبکر البغدادی بودند. از جمله ابومحمد الجولانی، عمر الشیشانی، ابومسلم الترکمانستانی، ابوعلی الانباری و دیگران. کمااینکه منابع اطلاعاتی توانستند خبرهایی را درباره شکاف‌های گسترده در داخل داعش گزارش کنند. این خسارت‌های میدانی پی‌درپی در دو سطح نظامی و انسانی در کنار کاهش منابع درآمدی و فاش‌شدن رازهای درونی این تشکیلات همه‌وهمه موجب شد تا داعش اکثر امکانات نظامی و امکانات لجستیک خود را از دست بدهد. همچنین تأکید داعش بر رویکردهای «فرقه‌گرایانه» به‌ویژه در عراق رویکردی مؤثر و مفید برای توسعه دایره نفوذ این گروه نبود. حتی اگر فرض کنیم داعش در محیط سنی قابل‌گسترش بود - فرضیه‌ای که بسیاری از تحلیلگران آن را رد می‌کنند - این محیط نیز به دلیل تجربه تلخی که ساکنانش در دوران حضور داعش داشتند و شاهد قساوت‌ها، ستمگری‌ها و شکنجه‌های این گروه بودند در نهایت به ضرر داعش عمل کرد.

پس‌ازسقوط

حال سؤالی که مطرح می‌شود، این است که «سرنوشت داعش بعد از ازدست‌دادن موصل و رقه چه خواهد بود؟ آیا این به معنای پایان دولت داعش است یا پایان یک تشکیلات؟ آیا داعش قادر است همچنان در عراق و سوریه حضور خود را حفظ کند؟ آیا این گروه دوباره به صحنه بازخواهد گشت؟» در این رابطه برخی از مراکز تحقیقاتی، سال ۲۰۱۷ را سال پایان مرکزیت «دولت داعش» به همان مفهوم جغرافیایی و سیاسی‌اش می‌دانند و می‌گویند این گروه ممکن است در آینده به یک تشکیلات مسلح پراکنده تبدیل شود؛ تشکیلاتی که حداکثر بتواند بعضی جاهای کوچک را در عراق و سوریه در اختیار گرفته یا با انجام عملیات تروریستی ناامنی‌های سیاسی و امنیتی را در این دو کشور تشدید کند، بدون اینکه چنین اقداماتی از عمق و تأثیرگذاری لازم برخوردار باشد.

ادامه در صفحه ۱۲